

رویکردهای نوین در مدیریت ورزشی

دوره ۴، شماره ۱۳، تابستان ۱۳۹۵

ص ص: ۶۱-۷۲

تحلیل عاملی نقش سیاسی دولت در اجرای سیاست خصوصی سازی صنعت ورزش

حجت محمدی مغانی^{۱*} - سیدمحمد کاشف^۲ - حبیب هنری^۳ - حسن قره خانی^۴

۱. دکتری مدیریت و برنامه ریزی تربیت بدنی، دانشگاه فرهنگیان زنجان، زنجان، ایران ۲. دانشیار گروه تربیت بدنی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران ۳. دانشیار گروه تربیت بدنی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران ۴. استادیار گروه تربیت بدنی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۰۴، تاریخ تصویب: ۱۳۹۵/۰۴/۱۵)

چکیده

هدف این پژوهش ارائه مدل تحلیل نقش سیاسی دولت در خصوصی سازی ورزش ایران بود. این مطالعه ترکیبی و از نوع طرح های آمیخته اکتشافی است. مرحله اول کیفی بود. بدین منظور با مرور مبانی نظری و انجام مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته، اطلاعات تکمیلی گردآوری، سپس داده های ۲۰ مصاحبه به روش گراند تئوری کدگذاری شد. گروه بندی کدها چهار مؤلفه را نشان داد. مرحله دوم به صورت کمی و به روش مدلسازی معادلات ساختاری انجام گرفت. نمونه ۲۲۲ نفر به صورت هدفمند انتخاب شدند. پرسشنامه محقق ساخته برگرفته از مرحله کیفی به عنوان ابزار تنظیم شد. روایی محتوایی را پانزده متخصص تأیید کردند و پایایی آن را آلفای کرونباخ ۰/۸۱۳ نشان داد. به منظور محاسبه اعتبار سازه و بررسی ساختار عاملی داده ها از تحلیل اکتشافی و تأییدی، و برای محاسبه پایایی مقیاس ها و خرده مقیاس ها از آلفای کرونباخ استفاده شد. مقایسه متغیرها نشان داد تأثیر مؤلفه های انسجام سیاسی- اجتماعی، حاکمیت قانون و قدرت دولت بر خصوصی سازی ورزش ایران معنادار بود، ولی مؤلفه مشارکت سیاسی با مقدار $\alpha=0/128$ اثر معناداری نداشت. مؤلفه انسجام سیاسی- اجتماعی با ضریب رگرسیونی ۰/۱۸۷ دارای بیشترین تأثیر بود و در مرتبه های بعدی حاکمیت قانون (۰/۱۵۶)، قدرت دولت (۰/۱۰۳) و مشارکت سیاسی (۰/۰۴) قرار داشتند.

واژه های کلیدی

تحلیل عاملی، تئوری سازی داده بنیاد، خصوصی سازی ورزش، مشارکت سیاسی، نقش دولت.

مقدمه

در طول تاریخ، در بسیاری از کشورهای جهان، بخش خصوصی به صورت محدود یا غالب نقش‌هایی را بر عهده داشته است. بسیاری از خدماتی که امروزه دولت ارائه می‌دهد، توسط بخش خصوصی ارائه می‌شده است (۱۷). خصوصی‌سازی^۱ کاهش نقش دولت در ارائه خدمات، کاهش یارانه‌های دولتی و مقررات‌زدایی بیشتر و انتقال خدمات از بخش دولتی به بخش خصوصی است (۱۶). خصوصی‌سازی یکی از مهم‌ترین عناصر پدیده جهانی‌سازی و استفاده روزافزون از بازارها برای تخصیص منابع است (۲۱). برنامه خصوصی‌سازی باید برای غلبه بر مقاومت و کاهلی ایجادشده توسط دستگاه اداری و منافع شخصی، از سوی بالاترین مقام‌های دولتی حمایت شود. تحقق اجرای برنامه باید وظیفه افراد عمل‌گرای دارای نفوذ سیاسی و نیز کسانی که به تخصص و مهارت فنی در سطح جهانی دسترسی دارند، باشد و نه کسانی که منافعشان در حفظ وضع موجود است. دولت باید به سرمایه‌گذاران اطمینان بدهد که با استفاده از نفوذ سیاسی، منافع آنها را به خطر نخواهد انداخت. رویارویی برنامه خصوصی‌سازی با مخالفت اداری و مقاومت سیاسی، امری اجتناب‌ناپذیر است، زیرا خصوصی‌سازی موجب تغییر دستگاه‌های دولتی می‌شود. با قرار دادن گروه مسئول خصوصی‌سازی در نزدیکی مرکز قدرت دولت، می‌توان مخالفت اداری را از میان برد و مسائل سیلی را به‌خوبی کنترل کرد (۸). براساس نتایج تحقیقات موفقیت خصوصی‌سازی مستلزم ایجاد محیط مناسب سیاسی است تا بخش خصوصی توانایی انجام کار در آن موقعیت را داشته باشد (۶). امروزه بحث خصوصی‌سازی در کشور در تمام صنایع مورد توجه قرار گرفته و صنعت ورزش^۲ نیز از این مقوله مستثنا نیست (۳).

اندیشمندان عنوان می‌کنند که راهکار مناسب برای مقابله با شرایط اقتصادی بسیار دشواری که صنعت ورزش را احاطه کرده، خصوصی‌سازی آن است (۲۳). برخی بزرگان ورزش ایران نیز در یک مورد اتفاق نظر دارند و این اتفاق نظر بیان می‌کند که ورزش ما برای پیشرفت باید خصوصی شود، اما در این اتفاق نظر یک اختلاف عمل وجود دارد و آن به پیشینه خصوصی‌سازی در ایران برمی‌گردد که در نهایت به خودمانی‌سازی منجر شده است و این تجربه تلخ سایه شوم خود را بر روند خصوصی‌سازی در ورزش ایران افکنده است. امروزه در کشورهای پیشرفته، ارزش افزوده صنعت ورزش بخش چشمگیری از محصول ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهد و نقش مهمی در ایجاد درآمد، اشتغال و نیز تفریح و سرگرمی دارد (۱۸). اما وضعیت این صنعت در ایران به گونه دیگری است. مطالعات نشان می‌دهد که سهم صنعت ورزش از تولید ناخالص ملی^۳ کشورهای مختلف حدود ۰/۷۵ تا ۴/۴ درصد است. درحالی‌که سهم این صنعت از تولید ناخالص ملی (۱/۰۱ درصد) به‌طور معناداری کمتر از شاخص جهانی است (۱۵).

نگاهی به تاریخ ورزش در کشور نشان می‌دهد که نقش دولت در این حوزه بسیار پررنگ شده است. در نتیجه پررنگ شدن نقش دولت در این عرصه و پدید آمدن انواع سازمان‌های ورزشی که بزرگ‌ترین و مهم‌ترین آنها نیز دولتی یا وابسته به دولت بودند، با گذشت زمان نقش مردم در عرصه مدیریت ورزش یعنی سیاستگذاری و برنامه‌ریزی کاهش یافت و همین مسئله نیز به حاکمیت نگرش دولتی در عرصه تربیت بدنی و ورزش انجامید (۴). الهی (۱۳۸۷) یکی از موانع موجود در برابر خصوصی‌سازی ورزش را موانع سیاسی می‌داند (۳). رضوی (۱۳۸۳) در نتایج تحقیق خود با عنوان «تحلیل سیاست

1. Re privatization
2. Sport Industry

3. Cross Domestic Product (CDP)

خصوصی سازی در ورزش کشور با تأکید بر ورزش قهرمانی»، اظهار می دارد که مدیران ورزش با اعمال سیاست خصوصی سازی در ورزش، خواهان اصلاح ساختار موجود ورزش کشور بوده اند (۹).

پاداش (۱۳۸۸) اعتماد ضعیف بین المللی به کشورهای در حال توسعه را از موانع و مشکلات خصوصی سازی دانسته و عنوان می کند که قاطعیت و عزم راسخ نسبت به اجرای سیاست خصوصی سازی میان مسئولان ذی ربط وجود ندارد (۵). الهی (۱۳۸۷) در تحقیقی دیگر با عنوان «موانع و راهکارهای توسعه اقتصادی صنعت فوتبال جمهوری اسلامی ایران»، به وجود برخی موانع از جمله موانع سیاسی در برابر خصوصی سازی ورزش اشاره می کند و از بین بردن این موانع را یکی از راهکارها در این زمینه می داند (۳). علی دوست قهفرخی (۱۳۸۹) در تحلیل موانع موجود در مسیر پیاده سازی سیاست های کلی اصل ۴۴ در ورزش حرفه ای کشور، به موانع عقیدتی و سیاسی اشاره کرده و پیوند عمیق سیاست و ورزش را از موانع موجود خصوصی سازی می داند (۱۳). شجاع الدین (۱۳۹۰) به بررسی نقش دولت در روند خصوصی پرداخت. نتایج تحقیق وی نشان داد بی توجهی به عوامل سیاسی در جامعه به عدم موفقیت در زمینه خصوصی سازی منجر خواهد شد (۱۰). عسکرزاده (۱۳۹۰) عنوان می کند که نگرش سیاسی مدیران با میزان جذب سرمایه گذاری در حوزه خصوصی سازی ورزش رابطه مثبت و معناداری دارد (۱۲). خسروی زاده (۱۳۹۳) در تحقیقی نشان داد که سرمایه گذاری و مشارکت بخش خصوصی در ورزش به ترتیب با موانع اقتصادی، اطلاعاتی و بازار سرمایه، مدیریتی، قانونی و حقوقی، فرهنگی و اجتماعی، حمایتی و تشویقی، و سیاسی مواجه است (۷). قنبری فیروزآبادی و همکاران (۱۳۹۳) عوامل سیاسی را با میانگین رتبه ۶/۲۲ در رتبه اول عوامل مؤثر بر

سرمایه گذاری خارجی در ساخت اماکن ورزشی ایران قرار داده اند (۱۴). موزانگازا^۱ و همکاران (۲۰۰۱) ساختارهای ناهماهنگ با شرایط جدید، نبود واقع گرایی و انسجام سیاسی - اجتماعی لازم را موجب کندی اجرای مراحل اقدامات و عملیات دولتی می دانند (۲۲). لیانگ وو^۲ (۲۰۰۷) در پژوهشی نقش ضروری واحدهای سیاستگذار پشتیبان در تأثیرات نتایج اجرایی پساخصوصی سازی را بسیار مهم می داند (۱۹).

ژانگ و ژانگ^۳ (۲۰۰۹)، خصوصی سازی را موجب بهبود رفاه اقتصادی و اجتماعی در تسهیلات ورزشی می دانند (۲۶). تی سامنی^۴ و همکاران (۲۰۱۰) معتقدند که خصوصی سازی موجب بهبود خدمات، افزایش رضایت مشتریان، بهبود آموزش کارکنان و کارایی تولید می شود (۲۵). ناصح (۲۰۱۳) در تحقیقی با عنوان «ارزیابی خصوصی سازی در ورزش با تعیین کردن قوت ها و ضعف ها» عنوان می کند که مشکلات مدیریتی و دستورالعمل های آموزشی و مالی به اضافه نقض حقوق مشتریان تحت تأثیر اجرای غیرمؤثر خصوصی سازی واقع شده و نقاط قوت آن شامل کاهش هزینه های دولتی و پایه فعالیت های کارشناسان و بهبود بازدهی است (۲۴).

حقیقت این است که دولت یا بخش خصوصی به تنهایی کارایی لازم را در اقتصاد ندارد؛ این دو بخش لازم و ملزوم یکدیگرند. اما حیطة وظایف و دامنة عملکرد هر یک از آنها باید مشخص شود. طی سالیان متمادی، دولت در ایران نقش عمده ای را در صحنه فعالیت های اقتصادی ایفا کرده و تصور بر این است که تنگناهای خصوصی سازی فقط ناشی از تأثیر عوامل اقتصادی است، غافل از اینکه عوامل غیراقتصادی نقش شایان توجه و گاه مهم تری نسبت به عوامل اقتصادی دارند که از مهم ترین

1. Muzangaza

2. Liang Wu

3. Zhang & Zhang

4. Tsameny

روش تحقیق

این پژوهش از حیث جهت‌گیری کاربردی^۱ است و گردآوری داده‌ها در آن به‌صورت آمیخته^۲ و در دو مرحله پیاپی صورت گرفته است. مرحله اول کیفی و اکتشافی^۳ و مرحله دوم از نوع تبیینی است. در مرحله اول از طریق مصاحبه عمیق^۴ نیمه‌استاندارد یا نیمه‌ساختاریافته^۵ با افراد خبره و صاحب‌نظر اطلاعات تکمیلی به‌منظور شناخت نقش دولت در فرایند خصوصی‌سازی ورزش گردآوری، سپس داده‌های حاصل از ۲۰ مصاحبه به روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد در سه مرحله کدگذاری (باز، محوری و گزینشی)، تجزیه و تحلیل شد.

برای انجام مصاحبه‌ها از روش نمونه‌گیری هدفمند^۶ و روش نمونه‌برداری ارجاعی زنجیره‌ای یا گلوله‌برفی^۷ استفاده شد. در انتخاب نمونه آماری جهت مصاحبه سعی شد هم از افراد دارای تحصیلات دانشگاهی و هم از افراد دارای تجربیات مدیریتی استفاده شود. این افراد شامل اعضای هیأت علمی دانشگاه در گرایش‌های مختلف علوم سیاسی، مدیریت (بازرگانی و ورزشی)، اعضای کارگروه اقتصاد وزارت ورزش و جوانان و مدیران کل منتخب اداره ورزش و جوانان استان‌ها بودند. مرحله دوم مطالعه به‌صورت کمی و به روش مدلسازی معادلات ساختاری بود. بدین منظور از پرسشنامه ۱۹ سؤالی برگرفته از مرحله کیفی مبتنی بر نقش دولت در خصوصی‌سازی ورزش ایران به‌عنوان ابزار تحقیق استفاده شد. پرسشنامه اولیه متشکل از ۲۵ گویه در چهار مؤلفه بود که ۱۵ نفر از استادان دانشگاه و متخصصان، مدیران و دست‌اندرکاران ورزش با ارائه نظرهای خود و انجام اصلاحاتی در خصوص

آنها می‌توان به مسائل سیاسی کشور اشاره کرد. اما متأسفانه در ایران توجه ناچیزی به این مسائل تأثیرگذار و مهم شده است.

با توجه به پژوهش‌های صورت‌گرفته در این زمینه و نتیجه‌گیری از تحقیقات پیشین می‌توان گفت که خصوصی‌سازی در ورزش ایران به معنای واقعی کلمه هنوز جایگاه واقعی خود را پیدا نکرده است و دولتمردان و سیاستمداران کشور در این عرصه به‌دلیل استفاده از ورزش به‌عنوان ابزار سیاسی قوی، تمایل چندانی به خصوصی شدن ورزش ندارند. چراکه با این کار نگران از دست دادن جایگاه و موقعیت سازمانی خود هستند. نظر به اینکه تقریباً تمامی پژوهش‌های انجام‌گرفته در این حوزه بیشتر به موانع سیاسی پرداخته‌اند، در این پژوهش محقق سعی دارد تا با بررسی نقش سیاسی دولت در فرایند خصوصی‌سازی ورزش ایران و ارائه نتایج، به‌نحوی بتواند در راستای از میان برداشتن این موانع و هرچه سریع‌تر انجام شدن این فرایند قدمی برداشته باشد. با تمامی تفاسیر و نتایج پژوهش‌های صورت‌گرفته، در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که نقش سیاسی دولت براساس متغیرهای موجود که در ادامه در مورد آنها بحث خواهیم کرد، در راستای اجرای سیاست خصوصی‌سازی صنعت ورزش چیست؟ نتایج پژوهش پیش‌رو می‌تواند به مسئولان سیاستگذار حوزه ورزش و خصوصی‌سازی کمک کند تا بتوانند به اهداف مندرج در قانون برنامه‌های اول تا پنجم توسعه کشور، سیاست‌های اصل ۴۴ و سند نظام جامع توسعه تربیت بدنی و ورزش که بر خصوصی شدن ورزش کشور تأکید دارند، بیشتر دست یابند و این پژوهش می‌تواند در کنار پژوهش‌های انجام‌گرفته در زمینه خصوصی‌سازی ورزش مفید فایده باشد.

1. Applied Orientation
2. Mixed Method
3. Exploratory
4. Depth Interview
5. Semi - Structured
6. Purposive
7. Snowball

به دست آمده است، براساس تجزیه و تحلیل مصاحبه ها به روش تئوری سازی داده بنیاد در چهار طبقه به شرح جدول ۱ دسته بندی شدند.

به منظور بررسی تناسب داده ها جهت اجرای تحلیل عاملی از آزمون بارتلت و شاخص KMO استفاده شد. در صورتی که آزمون بارتلت معنادار و شاخص KMO که مقدار آن بین صفر و یک در نوسان است، به یک نزدیک تر باشد (بیشتر از ۰/۶)، بیانگر تناسب داده ها برای انجام تحلیل عاملی است. در مورد مقدار محاسبه شده برای آزمون بارتلت نیز به واسطه سطح معناداری توزیع X^2 (کای دو) قضاوت می شود.

مطابق جدول ۲ با عنایت به عدد معناداری آزمون KMO (۰/۶۸۹) بزرگ تر از ۰/۶ و عدد معناداری آزمون بارتلت (۰/۰۰۱) کوچک تر از ۰/۰۵، می توان گفت که داده ها برای اجرای تحلیل عاملی مناسب است.

نگارش، تجانس سؤالات با اهداف تحقیق، تعداد سؤالات و پیشنهاد های اصلاحی خود، روایی محتوایی آن را بررسی و تأیید کردند. برای تعیین روایی سازه پرسشنامه از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. نتایج این آزمون براساس روش چرخش واریماکس نشان دهنده شناسایی گویه ها روی چهار عامل بود که در مجموع ۶۳/۸۱۳ درصد واریانس داده ها را پوشش دادند و فقط ۳۶/۱۸۷ درصد داده ها شناسایی نشدند. از طریق تحلیل عاملی تأییدی نیز با استفاده از نرم افزار AMOS، صحت حیطه بندی مؤلفه های چهارگانه تحقیق تأیید شد. در نهایت گویه های این پرسشنامه به ۱۴ سؤال در چهار مؤلفه انسجام سیاسی- اجتماعی، حاکمیت قانون، مشارکت سیاسی و قدرت دولت (به ترتیب دارای ۴، ۴، ۳ و ۳ سؤال) و خصوصی سازی (۵ سؤال) کاهش یافت. به منظور محاسبه پایایی ابزار تحقیق، ۳۰ پرسشنامه بین آزمودنی هایی که در تحقیق اصلی شرکت داده نشده بودند، توزیع و جمع آوری شد که با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ میزان پایایی آن برابر $\alpha=0/813$ به دست آمد. انتخاب نمونه ها با توجه به موضوع پژوهش از میان خبرگان عرصه ورزش، مدیریت، سیاست، اقتصاد و خصوصی سازی صورت گرفت. از آنجا که حجم چنین جامعه ای قابل شمارش و تخمین نبود، از روش نمونه گیری هدفمند استفاده شد و با کمک روش قضاوتی^۱، پرسشنامه ها میان افراد جامعه آماری توزیع شد. در نهایت به منظور تجزیه و تحلیل داده های به دست آمده از ۲۲۰ پرسشنامه، از تحلیل رگرسیون چندمتغیره استفاده شد.

نتایج و یافته های تحقیق

مؤلفه های نقش سیاسی دولت در عرصه خصوصی سازی ورزش که از ۲۰ مصاحبه عمیق با خبرگان

جدول ۱. نقش سیاسی دولت در فرآیند خصوصی سازی ورزش برآمده از مصاحبه با خبرگان

وجود اعتماد متقابل بین ملت و دولت و بخش خصوصی در ورزش	انسجام سیاسی-اجتماعی
ثبات در سیاست های دولت به ویژه در مقوله خصوصی سازی ورزش	
عزم ملی و اعتقاد راسخ سیاسی اجتماعی برای خصوصی سازی ورزش	
وجود سیاست ها و برنامه های مشخص و آینده نگر به منظور هدایت امر خصوصی سازی ورزش	
عدم دخالت عوامل سیاسی در عزل و نصب مسئولان ورزش	حاکمیت قانون
ممانعت از واگذاری ها به نهادهای دولتی و شبه دولتی به جای خصوصی سازی واقعی در ورزش	
هماهنگی و همسو کردن مقررات و سیاست های اجرایی نهادهای قانونی با سیاست خصوصی سازی ورزش	
عدم توقف برنامه خصوصی سازی ورزش به تبع تغییر دولت ها	
استفاده نکردن دولت از ورزش به عنوان یک ابزار سیاسی	مشارکت سیاسی
انعطاف پذیری لازم دولت و قوانین مرتبط با اجرای سیاست های خصوصی سازی ورزش	
استفاده از مشاوران سیاسی - اقتصادی مجرب و توانمند در فرایند خصوصی سازی ورزش	
جلوگیری از ورود افراد غیرمتخصص و جریانات سیاسی به بخش خصوصی ورزش	قدرت دولت
طراحی سیاست های مبنی بر ایجاد فضای رقابتی به منظور خصوصی سازی ورزش کشور	
تعهد و حمایت سیاسی دولت جهت اطمینان و امنیت خاطر سرمایه گذار برای ورود به حوزه خصوصی سازی ورزش	

جدول ۲. نتایج آزمون KMO و بارتلت نقش سیاسی دولت در خصوصی سازی ورزش ایران

آزمون کفایت نمونه گیری KMO	۰/۶۸۹
مقدار تقریبی کای دو	۱۱۸۳/۳۵۰
درجه آزادی	۹۱
معناداری	۰/۰۰۱

تحقیق مرکب از چهار متغیر مستقل و متغیر وابسته خصوصی سازی مدل خوبی است و متغیرهای مستقل قادرند تغییرات خصوصی سازی را تبیین کنند.

به منظور بررسی میزان تأثیرگذاری مؤلفه های نقش سیاسی دولت بر خصوصی سازی ورزش ایران از رگرسیون چندگانه استفاده شد.

همان گونه که در جدول ۳ نشان داده شده است، با توجه به معناداری مقدار آزمون $F (P < 0.001)$ می توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی $(F=2/410)$

جدول ۳. نتایج آزمون F به منظور بررسی مدل رگرسیونی تحقیق

مدل	مجموع مربعات	درجه آزادی	مربع میانگین	F	سطح معناداری
رگرسیون	۰/۰۷۶	۴	۰/۳۱۵	۲/۴۱۰	۰/۰۲۲
باقیمانده	۸/۵۷۹	۲۱۷	۰/۴۲۸		
مجموع	۸/۶۵۵	۲۲۱			

با توجه به نتایج جدول ۴ مقایسه متغیرها نشان می‌دهد که اولاً از دیدگاه افراد نمونه تأثیر سه مؤلفه انسجام سیاسی- اجتماعی، حاکمیت قانون، و قدرت دولت بر خصوصی سازی ورزش در ایران معنادار است و مؤلفه مشارکت سیاسی مقدار معناداری آن برابر با ۰/۱۲۸ که بزرگتر از ۰/۰۵ است، از این رو این متغیر اثر معناداری بر خصوصی سازی ورزش ایران ندارد. ثانیاً مؤلفه انسجام

سیاسی- اجتماعی با ضریب رگرسیونی ۰/۱۸۷ دارای بالاترین تأثیر رگرسیونی بر متغیر وابسته خصوصی سازی ورزش در ایران است. در مرتبه دوم حاکمیت قانون با ضریب تأثیر ۰/۱۵۶، مرتبه سوم قدرت دولت با ضریب تأثیر ۰/۱۰۳ و در پایین ترین مرتبه مشارکت سیاسی با ضریب تأثیر ۰/۰۴۰ قرار دارند.

جدول ۴. رگرسیون چندمتغیره برای پیش بینی میزان تأثیرگذاری مؤلفه های نقش سیاسی دولت بر خصوصی سازی ورزش ایران

متغیر مستقل	ضرایب استاندارد شده		ضرایب استاندارد شده	T	سطح معناداری
	ضریب رگرسیونی	خطای معیار	استاندارد شده		
مقدار ثابت	۰/۵۴۷	۰/۱۱۷		۴/۶۷۸	۰/۰۰۱
انسجام سیاسی- اجتماعی	۰/۱۶۷	۰/۰۳۸	۰/۱۸۷	۰/۸۷۸	۰/۰۰۱
حاکمیت قانون	۰/۱۱۸	۰/۰۴۱	۰/۱۵۶	۰/۹۱۱	۰/۰۰۳
مشارکت سیاسی	۰/۰۲۳	۰/۰۴۴	۰/۰۴۰	۰/۰۶۵	۰/۱۲۸
قدرت دولت	۰/۰۹۹	۰/۰۳۲	۰/۱۰۳	۰/۶۳۱	۰/۰۴۴

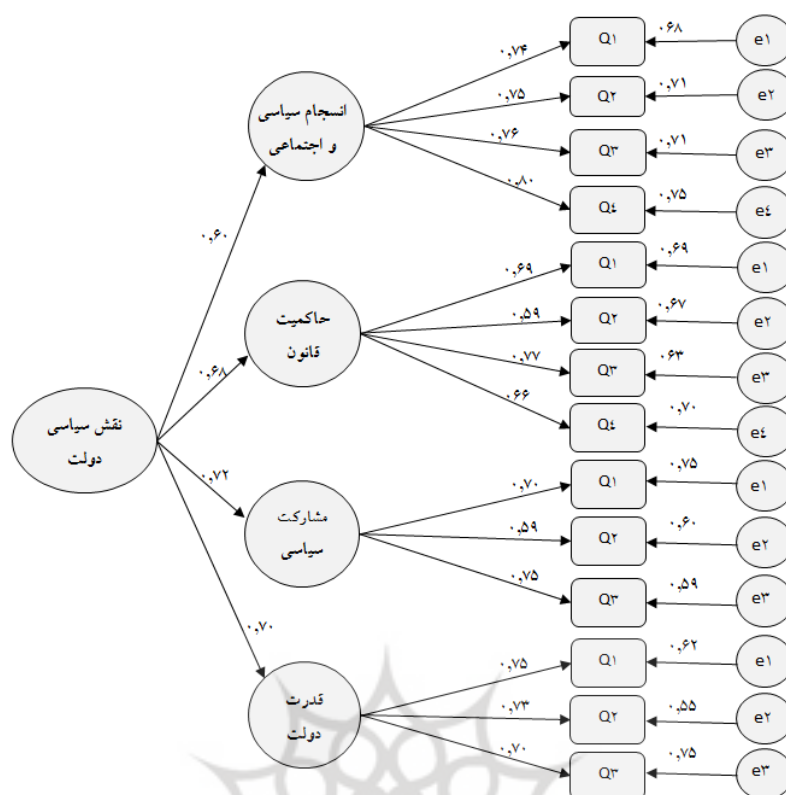
مدل تحلیل عاملی تأییدی متغیر نقش اقتصادی دولت:

سؤال اساسی مطرح شده این است که آیا این مدل اندازه گیری مناسب است؟ برای پاسخ به این پرسش باید آماره X^2 و سایر معیارهای مناسب بودن برازش مدل بررسی شود. از این رو متغیر نقش سیاسی دولت و ابعاد آن با استفاده از مدل تحلیل عاملی مورد سنجش قرار گرفته که مدل آن در شکل ۱ ارائه شده است.

نتایج شکل ۱ نشان می‌دهد که نشانگرها در کنار یکدیگر سازه های مربوط به خود را با توجه به ساختار مورد نظر محقق به درستی تأیید کردند، زیرا مدل حاضر با

استفاده از روش تحلیل عاملی تأییدی به درستی اجرا شده است و تداخلی مشاهده نمی‌شود. با توجه به اینکه مقدار ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب RMSEA برای مدل اولیه کمتر از ۰/۰۸ گزارش شده، از این رو به منظور استفاده از این سازه در طراحی مدل ساختاری تحقیق به لحاظ آماری، نیازی به انجام اصلاحات نیست و مدل از برازش خوبی برخوردار است. همان طور که مشخصه های برازندگی جدول ۵ نشان می‌دهد، داده های این پژوهش با ساختار عاملی و زیربنای نظری تحقیق برازش مناسبی

دارد و این بیانگر همسو بودن سؤالات با سازه‌های نظری است.



Chi-Square= ۴/۵۰, df= ۳/۴, p-value= ۰/۰۰۰ RMSEA= ۰/۰۳۰

شکل ۱. مدل تحلیل عاملی متغیر نقش سیاسی دولت

جدول ۵. شاخص‌های برازش متغیر نقش سیاسی دولت

شاخص	حد نرمال	مقدار مشاهده شده
میانگین مجذور پس ماند ها RMR	نزدیک به صفر	۰/۰۶
میانگین مجذور پس ماند ها استاندارد شده SRMR	نزدیک به صفر	۰/۰۷
Df	بزرگ‌تر از صفر	۳/۴
نسبت χ^2 به df	کمتر از ۳	۲/۴
شاخص برازندگی GFI	۰/۹ و بالاتر	۰/۹۵
شاخص هنجار شده برازندگی (NFI)	۰/۹ و بالاتر	۰/۹۷
شاخص هنجار نشده برازندگی (NNFI)	۰/۹ و بالاتر	۰/۹۴
شاخص برازندگی فزاینده (IFI)	۰/۹ و بالاتر	۰/۹۳
شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)	۰/۹ و بالاتر	۰/۹۷
ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب، RMSEA	کمتر از ۰/۰۸	۰/۰۳۰

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که نقش سیاسی دولت در فرایند خصوصی‌سازی ورزش ایران را می‌توان به چهار مؤلفه انجام سیاسی-اجتماعی، حاکمیت قانون،

مشارکت سیاسی و قدرت دولت تقسیم کرد. در پژوهش حاضر تأثیرگذارترین مؤلفه در این نقش انجام سیاسی-اجتماعی است. پاداش (۱۳۸۸) به نبود سیاست و برنامه مشخص به منظور هدایت امر

خصوصی سازی و علی دوست قهفرخی (۱۳۸۹)، به نبود اطمینان متقابل بین دولت و بخش خصوصی و نبود اطمینان و اعتماد به ثبات در سیاست های دولت، اشاره دارند (۱۳، ۵). افسای (۱۳۹۱) مشارکت دولت و بخش خصوصی را تنها راه چاره در جهت نیل به اهداف خصوصی سازی ورزش دانسته است (۲). این نتایج با نتایج تحقیق حاضر همراستاست. نتایج پژوهش حاضر حاکی از این بود که اعتماد متقابل بین ملت و دولت و بخش خصوصی، ثبات در سیاست های دولت، عزم ملی و اعتقاد راسخ سیاسی اقتصادی، وجود سیاست ها و برنامه های مشخص از مؤلفه هایی است که می توانند بر خصوصی سازی ورزش اثر بگذارند. دلیل مطابقت در نتایج را می توان به وضعیت سیاسی - اجتماعی حاکم بر جامعه نسبت داد که بدین منظور باید بین کلیه اجزای نظام سیاسی انسجام و همبستگی وجود داشته باشد و این انسجام و همبستگی از مردم و تمامی گروه های موجود در کشور به نظام سیاسی واگذار شده باشد.

حاکمیت قانون دومین مؤلفه از نظر اهمیت در نقش سیاسی دولت است؛ عالی پور (۱۳۸۵) نبود اهداف مشخص اتخاذ سیاست خصوصی سازی و علی دوست قهفرخی (۱۳۸۹) وجود برخی عوامل سیاسی در عزل و نصب مسئولان را از مهم ترین موانع خصوصی سازی ورزش ایران می داند (۱۳، ۱۱). این نتایج با یافته های تحقیق حاضر که بر همسویی مقررات و سیاست های اجرایی کشور با سیاست خصوصی سازی، وجود اهداف مشخص در اتخاذ این سیاست ها، ممانعت از واگذاری ها به نهادهای دولتی و شبه دولتی و بر نبود عوامل سیاسی در عزل و نصب مدیران تأکید دارد، همراستاست. چراکه هر کدام از این موارد می توانند بر خصوصی سازی ورزش اثرگذار باشند. تصمیم گیری و عمل دولت به شیوه ای عقلانی بر مبنای دلایل قانونی را می توان جوهره مفهوم حاکمیت قانون

دانست که از اعمال قدرت خودسرانه و خودکامگی ها جلوگیری می کند. شاید از دلایل مطابقت برخی از پژوهش های مذکور با نتایج این پژوهش سیاست های حاکم بر فرایندهای خصوصی سازی در ورزش کشور باشد. سومین مؤلفه از نظر میزان تأثیرگذاری در نقش سیاسی، قدرت دولت است؛ احمدی (۱۳۸۵) به نبود امنیت برای سرمایه گذاری در بخش خصوصی ورزش و پاداش (۱۳۸۸) به عدم استفاده از نیروی متخصص اشاره می کنند. الهی (۱۳۸۷) و علی دوست قهفرخی (۱۳۸۹) به فقدان نظام بازار اقتصادی، درون گرایی و عدم آزادسازی بازار در اقتصاد کل کشور و لیانگ وو^۱ (۲۰۰۷) بر نقش ضروری واحدهای سیاستگذار در آزادی بازار (فضای رقابتی) تأکید دارند (۱۹، ۱۳، ۵، ۳، ۱). کومار و پاپ کو (۲۰۱۱) از دلایل موفقیت چین در جذب سرمایه های داخلی و خارجی را انجام اصلاحاتی در اقتصاد این کشور، اجرای سیاست های باز اقتصادی و حاکم کردن اقتصاد بازار محور در این کشور برشمرده اند (۲۰). با توجه به نتایج این تحقیق دولت ضمن جلوگیری از ورود افراد غیرمتخصص و جریانات سیاسی به بخش خصوصی ورزش، باید سیاست های مبتنی بر ایجاد فضای رقابتی به منظور خصوصی سازی ورزش کشور را طراحی کند و حمایت سیاسی از سرمایه گذار را به منظور امنیت خاطر آنها برای ورود به حوزه خصوصی سازی ورزش در دستور کار خود قرار دهد. این نتایج تأییدکننده نتایج مطالعه حاضرند.

آخرین مؤلفه در این نقش مشارکت سیاسی است؛ احمدی (۱۳۸۵) به وجود قوانین سخت گیرانه نهادهای مختلف دولتی، علی دوست قهفرخی (۱۳۸۹) به پیوند عمیق سیاست و ورزش و امیری (۱۳۹۲) به استفاده دولت از ورزش به عنوان یک ابزار سیاسی تأکید کرده اند (۱۳، ۴، ۱). دلیل مطابقت این نتایج با تحقیق حاضر را

1. Liang Wu

شاید بتوان در عوامل روان‌شناختی، عوامل اجتماعی و عوامل محیطی که بر میزان مشارکت سیاسی تأثیرگذارند، جست‌وجو کرد. با بررسی این عوامل می‌توان میزان مشارکت سیاسی را افزایش داد تا به تبع آن درجه انسجام سیاسی نیز تقویت شود.

با توجه به یافته‌های تحقیق حاضر به دولت محترم پیشنهاد می‌شود در جهت خصوصی‌سازی ورزش ایران و سرعت بخشیدن به این مقوله اقتصادی-اجتماعی، در تنظیم لوايح، دستورالعمل‌ها و مقررات مرتبط با اجرای سیاست‌های خصوصی‌سازی ورزش انعطاف‌پذیری لازم را داشته باشد. از آنجا که موضوع خصوصی‌سازی از مباحث بسیار پیچیده و چندوجهی است، استفاده از مشاوران سیاسی-اقتصادی قوی و مجرب و از طرفی استفاده نکردن دولت از ورزش به عنوان یک ابزار سیاسی در این زمینه می‌تواند موجبات خصوصی شدن ورزش کشور را فراهم کند. یافته‌های این تحقیق تأکید دارد که یکی از حلقه‌های مهم در خصوصی شدن ورزش ایران ایفای نقش سیاسی دولت با ایجاد انسجام و مشارکت سیاسی در

فضای رقابتی سالم با اعمال قدرت و حاکمیت قانون است. بنابراین دولت باید برای برطرف کردن موانع موجود سیاسی پیش‌روی خصوصی شدن ورزش ایران محدودیت‌های سیاسی برای واگذاری ورزش به بخش خصوصی را از میان بردارد و از ورود افراد غیرمتخصص و جریان‌ات سیاسی به بخش خصوصی و از واگذاری‌های سودآور به افراد خاص (وابستگان تصمیم‌گیرندگان)، جلوگیری کند. همچنین با ایجاد ثبات در سیاست‌های کشور در زمینه‌های مختلف طوری عمل کند که با تغییر دولت‌ها برنامه‌های خصوصی‌سازی ورزش متوقف نشود، زیرا در این شرایط سرمایه‌گذار با اطمینان و امنیت خاطر به بخش خصوصی وارد خواهد شد. در نگاه کلی و در متغیرهای بررسی‌شده در این پژوهش و پژوهش‌های پیشین، در فرایند خصوصی شدن ورزش ایران، متأسفانه بحث‌های جدی و عملیاتی در این زمینه مشاهده نمی‌شود که لزوم بازنگری و توجه به مباحثی را که مطرح شد، می‌طلبد تا اهداف خصوصی‌سازی ورزش محقق شود.

منابع و مآخذ

۱. احمدی، اژدر (۱۳۸۵). "موانع و مشکلات موجود خصوصی‌سازی حوزه ورزش از دیدگاه صاحبان باشگاه‌ها و مراکز خصوصی ورزشی شهرستان ارومیه". پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه ارومیه، ص ۸۸-۳۹.
۲. افسای، علی (۱۳۹۱). "بررسی موانع مدیریتی خصوصی‌سازی باشگاه‌های لیگ حرفه‌ای فوتبال کشور". پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مبارکه اصفهان، ص ۵۶-۲۴.
۳. الهی، علی‌رضا (۱۳۸۷). "موانع و راهکارهای توسعه اقتصادی صنعت فوتبال جمهوری اسلامی ایران". رساله دکتری، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تهران، ص ۴۵-۳۴.
۴. امیری، مجتبی (۱۳۹۲). "تبیین و اولویت‌بندی موانع فراروی خصوصی‌سازی و مشارکت بخش خصوصی در توسعه ورزش". مجله مدیریت ورزشی، دوره ۵، ش ۴، ص ۱۰۶-۸۳.
۵. پاداش، دنیا؛ سلطان حسینی، محمد؛ خبیری، محمد و فتحی، سعید (۱۳۸۸). "تعیین و اولویت‌بندی عوامل مدیریتی و اجرایی مؤثر بر خصوصی‌سازی باشگاه‌هایی ورزشی با روش AHP". همایش بین‌المللی علم و فوتبال، آکادمی ملی فوتبال، تهران، ص ۲۰-۱۶.

۶. چانگ، کلود وی (۱۳۸۷). "خصوصی سازی و توسعه - نظریه، خط و مشی و شواهد". ترجمه محمد صفار، تهران: نشر عترت نو، ص ۱۱.
۷. خسروی زاده، اسفندیار؛ بهرامی، علیرضا و حقدادی، عابد (۱۳۹۳). "موانع سرمایه گذاری و مشارکت بخش خصوصی در ورزش استان مرکزی". مطالعات مدیریت ورزشی، ش ۲۴، ص ۲۰۷-۲۲۲.
۸. دیک، ولش و الیویر، فرموند (۱۳۸۹). "خصوصی سازی مرحله به مرحله روش ها و نمونه ها". ترجمه سازمان خصوصی سازی - مدیریت مطالعات و برنامه ریزی، تهران: عترت چاپ، ص ۹۳.
۹. رضوی، سید محمدحسین (۱۳۸۳). "افزایش کارایی با سیاست خصوصی سازی در ورزش". نشریه حرکت، ش ۲۳، ص ۵-۲۲.
۱۰. شجاع الدین، رقیه (۱۳۹۰). "نقش دولت در روند خصوصی سازی (مطالعه تطبیقی تجربه کشورهای آلمان، چین و ایران)". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی تهران، ص ۲۲-۳۴.
۱۱. عالی پور، زهره (۱۳۸۵). "فعالیت های خصوصی سازی در ایران گذشته، حال و آینده". مجموعه مقالات همایش ملی سیاست های اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، ص ۲۸۳-۲۶۳.
۱۲. عسکری زاده، مریم و حیدری نژاد، صدیقه (۱۳۹۰). "بررسی عوامل مؤثر بر جذب سرمایه گذاری در ورزش استان خوزستان". مطالعات مدیریت ورزشی، ش ۱۲، ص ۶۱-۷۴.
۱۳. علیدوست قهفرخی، ابراهیم (۱۳۸۹). "تحلیل موانع پیاده سازی سیاست های کلی اصل ۴۴ در ورزش حرفه ای جمهوری اسلامی ایران". رساله دکتری، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تهران، ص ۱۲-۳۳.
۱۴. قنبری فیروزآبادی، علیرضا؛ جمالی، حمید؛ موسوی، جعفر و امانی، امین (۱۳۹۳). "عوامل مؤثر بر سرمایه گذاری خارجی در ساخت اماکن ورزشی ایران". هشتمین همایش بین المللی تربیت بدنی و علوم ورزشی، تهران، ص ۲.
۱۵. کیان مرز، یحیی (۱۳۸۶). "تحلیل اقتصاد صنعت ورزش ایران". ششمین همایش بین المللی تربیت بدنی و علوم ورزشی کشور، کیش، ص ۱۹-۱۴.
16. Bray, M. (2002). "The costs and financing of education: Trends and policy implications". Asian Development Bank and Comparative Education Research Centre, University of Hong Kong, Hong Kong, pp: 201-211.
17. Drucker, P. (1968). "The Age of discontinuity". New York: Harper & Row Publishers, p: 234.
18. Holt, M. (2007). "The ownership and control of elite club competition in European football". Soccer and Society, 8(1), pp: 50-67.
19. Hsueh-Liang, W. (2007). "Exploding the source of privatization- induced performance changes". Journal of Organizational Change Management, 20(1), pp: 44-59.
20. Kumar, S., Yapco, C. (2011). "China's economic cooperation related investment: an investigation of its direction and some implications for outward investment". China Economic Review, 22(1), pp: 75-87.
21. Megginson, L., Jeffry, M. (2001). "From state to market: A survey of empirical studies on privatization". Journal of Economic Literature, 15(3), pp: 2-88.

22. Muzangaza, C., Gabriel, C. (2001). "The role of ideological and behavioral differences in privatization problems in transition economies the context of Zimbabwe". PhD Dissertation, Walden University, Washington, USA, pp: 85-105.
23. Mythic, J., Oughton, C. (2004). "Competitive balance in football: trends and effects". FGRC Research Paper, University of London, London, England, pp: 24-39.
24. Nasseh, M. (2013). "Evaluation of privatization in sports with the approach of assessing the strengths and weaknesses". European Journal of Experimental Biology, 3(1), pp: 631-636.
25. Tsameny, M., Onumah, J., Tetteh-Kumah, E. (2010). "Post-privatization performance and organization changes: Case study from Ghana". Critical Perspectives on Accounting, 21, pp: 428-442.
26. Zhang, B., Zhang, L. (2009). "Government regulations of the privatization of the public sports facilities". Sport Science Research, 2(11), pp: 44-82.

